خراسان روزنامه صبح ایران
پنج شنبه اول تیر ۱۳۹۶ . ۲۷ رمضان ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۵۶۶

تایید کشته شدن «مفتی داعش» در سوریه

ائتلاف بین المللی تحت امر آمریکا اعلام کرد که در حمله‌ای هوایی به شهر المیادین سوریه در نزدیکی مرزهای عراق در اواخر اردیبهشت ماه، ترکی البنعلی "مفتی" داعش را به هلاکت رسانده است. این شخص یکی از افراد نزدیک به ابوبکر البغدادی، سرکرده داعش بودو در جذب تروریست‌های خارجی و سوق دادن آن‌ها برای حملات تروریستی در جهان نقش مهمی داشت. نام البنعلی همچنین در لیست تحریم‌های سازمان ملل درج شده بود.

تحلیل روز

• • •

محمدعلی دستمالی

«بن سلمان» چه خواب هایی دیده است؟

اقدام عجیب ملک سلمان، پادشاه پیر خاندان پادشاهی آل سعود در تعیین پسرش به عنوان ولی عهد، به یک باره ساختار قدرت را دچار تغییر و تحول آنی کرد. ملک سلمان، سنّت انتقال پادشاهی از برادر بزرگ تر به برادر کوچک‌تر را از میان برداشت و پسر ۳۲ ساله اش محمد را به عنوان ولی عهد معرفی کرد. این یعنی چند صباحی دیگر و پس از فوت ملک سلمان، جهان و منطقه، شاهد قدرت گرفتن ملک محمد بن سلمان به عنوان جوان ترین پادشاه خاندان سعودی خواهد بود.

■ **ولی عهد و واشنگتن**

درباره هوش و ذکاوت سیاسی ولی عهد جوان، پیش از هر چیز باید گفت محمد بن سلمان که در مقام وزیر دفاع، بلندپروازانه عمل کرد و شخصا فرماندهی عملیات حمله به یمن را بر عهده گرفت، آمریکای دوران ترامپ را به خوبی درک کرده است. او علایق و شیوه کار و هماهنگی با دونالد ترامپ را به خوبی تجزیه و تحلیل کرده و به همین دلیل بود که در پذیرایی از این شاهزاده جوان در کاخ سفید، سنگ تمام گذاشتند. حتی می توان گفت احتمالا تمام برنامه ریزی های مرتبط با بزرگ ترین قرارداد تسلیحاتی تاریخ و آن ضیافت و رقص شمشیر و دیگر چیزها، همگی بخشی از سناریو و اهداف محمد بوده اند. شاید اگر به جای ترامپ، هیلاری کلینتون به عنوان رئیس جمهور به کاخ سفید راه پیدا می کرد، محمد بن سلمان نمی توانست چنین با سرعت و آسودگی خاطر، ره صد ساله را در یک شب بپیماید. البته چنین چیزی به این معنی نیست که آمریکا به ویژه در دوران ترامپ فعال مایشاء است و همه راه ها به روم ختم می شود. خیر. نمی توان قاطعانه اعلام کرد که کل پروژه هموارسازی راه پادشاه شدن محمد بن سلمان، از آنِ اتاق فکرهای آمریکاست. اما بدون تردید، نقش آمریکا در اینِ ماجرا، به عنوان یک کاتالیزور و مشاور، غیر قابل انکار است.

■ **مسیر هموار پادشاهی**

از حالا می توان چنین پیش بینی کرد که ملک سلمان پیر، حتی در ایام حیات و این سال ها یا ماه های آخر عمر، دست از پادشاهی خواهد کشید و رفته رفته، اختیار امور را به طور کامل به پسرش خواهد داد. شاید اغراق آمیز نیست اگر بگوییم باید از حالا، ولی عهد را در قامت پادشاه ببینیم. چرا که ملک سلمان در چند ماه اخیر، با حذف مخالفان و تهدیدات معلوم و نامعلوم، نشان داده که چنان اعتماد خاصی به پسرش دارد که حاضر است برای او، دست به هر کاری بزند. بنابراین در معادلات سیاسی و منطقه ای از حالا به بعد، باید به عربستان به چشم دیگری نگاه کرد. اگر چه عربستان، دارای یک ساختار سیاسی پادشاهی، فرسوده و مرتجع است و به قول رئیس جمهور ما «بندگان خدا صندوق انتخابات ندیده اند»، اما با در نظر گرفتن وقایع اخیر، باید بپذیریم که عربستان در مسیر تحولات تازه ای قرار گرفته و این کشور، با گذر از دوران پادشاهان پیر و بی حرکت، وارد عصر پادشاه جوان، حریص، ماجراجو و پویایی می شود که رویاها و سناریوهای بسیاری برای تقویت جایگاه کشورش در سر پرورانده است و همچنان که پیشتر گفته شد، در این مسیر از حمایت و مشورت آمریکایی ها نیز برخوردار است. حالا که با رویدادی تازه ای به نام تغییر ساختار انتقال قدرت در خاندان آل سعود مواجه شده ایم، می توانیم یک بار دیگر سراغ پرونده قطر برویم و تحولات این کشور و همچنین تنش و فشار ناگهانی و غیرطبیعی عربستان را از منظر تازه ای نگاه کنیم. به این معنی که محمد بن سلمان، در تحلیل جایگاه قطر و شرایط سیاسی و روابط دیپلماتیک این کشور کوچک اما ثروتمند، به این نتیجه رسیده که پس از به قدرت رسیدن شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی در مقام امیر جوان قطر، این کشور توانسته است در مسیر توسعه و همچنین در تقویت روابط خارجی و سرمایه گذاری، کارهای بزرگی انجام دهد. به همین خاطر در مسیر اقناع پدر حرکت کرده و احتمالا توانسته ملک سلمان و متنفذان کمیته بیعت را به این درک مشترک برساند که قطر به خاطر سیاست های امیر جوان، در رقابت با عربستان، از شتاب و سرعت بالاتری برخوردار است. فراموش نکنیم که امیر قطر، علاوه بر آن که به دو زبان انگلیسی و فرانسوی تسلط داشته و بالاترین دوره های فرماندهی نظامی را پشت سر گذاشته، در انگلیس تحصیل کرده و اطلاعات دقیق و تحلیل های هوشمندانه ای از بازار سرمایه آسیا، اروپا و آمریکا دارد. پس برای مقابله با قدرت روز افزون چنین امیر جوانی، راهی جز ارتقای جایگاه محمد بن سلمان وجود نداشت.

■ **شرایط داخلی و سودای قدرت در خارج**

محمد بن سلمان، پیش از هر چیز به فکر به راه انداختن کارناوال قدرت نظامی، شُوها و ضیافت های بزرگ دیپلماتیک و پرخرج و افزایش توان نظامی و دفاعی کشورش است. از همین حالا می توان پیش بینی کرد که در دوران قدرت گرفتن این ولی عهد، پادشاه جوان و حریص، استفاده از ابزار اثرگذار دیپلماسی پول و همچنین تقویت رابطه با آمریکا و افزایش قدرت دفاعی را، به عنوان اولویت های نخست، در دستور کار قرار خواهد داد و در پرونده قطر، صرفا به تابعیت و کوتاه آمدن قطر راضی نخواهد شد. بلکه تلاش خواهد کرد تا شورای همکاری خلیج فارس را به کمیته و کانون مهمی تبدیل کند که در یمن و پرونده های دیگر، از ریاض حمایت کند. او همچنین برای جلب توجه بیشتر و عمیق تر مصر، پاکستان، ترکیه، اردن، اندونزی و مالزی، اقدامات مهمی انجام خواهد داد. در عین حال، ناچار است در این مسیر، ژست یک پادشاه نواندیش و پیشرو به خود بگیرد و تصویر خارجی عربستان را تا حد زیادی تغییر دهد. پس می توان پیش بینی کرد که به موازات این اقدامات خارجی، محمد بن سلمان، در حوزه داخلی نیز دست به تحولات سیاسی، حقوقی و اجتماعی خواهد زد و بعید نیست که در ماه های آینده، شاهد نخستین تصمیمات و اقدامات او در حوزه های داخلی عربستان باشیم. طبیعی است که محمد بن سلمان در این پروژه حساس، دغدغه ها و نگرانی های خاصی از واکنش علمای دینی وهابی دارد و در این مسیر، باشتاب، پیش نخواهد رفت. بلکه در ابتدای کار به تغییر دکوراسیون، عوض کردن رنگ دیوارها و چیدمان متفاوت مبل و قالی و گلدان ها اکتفا خواهد کرد و در مراحل بعدی، به شرط کسب اطمینان از تثبیت قدرت و تحکیم موقعیت، به فکر تحولات بزرگ تر نیز خواهد افتاد. اما در هر صورت، عربستان سعودی در دوران اقتدار محمد بن سلمان نیز، هر اندازه از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی، قدرت بگیرد، باز هم گفتمان و محصول فکری و فرهنگی خاصی برای صدور به جهان اسلام و نفوذ بر جوامع مسلمان نخواهد داشت و در نهایت، صرفا بر دولتمردان برخی کشورهای عربی، اثر خواهد گذاشت.

آیا عربستان با ولی عهدی «بن سلمان» به سمت ماجراجویی بیشتر در حرکت است؟

صعود تندروها در آل سعود

گروه بین الملل-پادشاه عربستان با برکناری «محمد بن نایف» ولی عهد خود، پسر ۳۲ ساله خود «محمد بن سلمان» را به سمت ولی عهدی تعیین کرد. مدت ها بود که زمزمه جنگ قدرت در دربار سعودی به گوش می رسید؛ جنگی که در واقع میان «محمد بن نایف» و «محمد بن سلمان» در جریان بود. از آن جا که «سلمان بن عبدالعزیز» پادشاه سعودی سن و سال زیادی دارد و در عین حال از بیماری های مختلفی از جمله «آلزایمر» نیز رنج می برد، بنابراین طبیعی است که شاهزادگان تشنه قدرتِ سعودی برای تصاحب کرسی پادشاهی پس از ملک سلمان، به جان یکدیگر بیفتند. اما در این میان، محمد بن سلمان که پیشتر جانشین ولی عهد بود، بیشترین تقلا را برای تکیه زدن بر کرسی پادشاهی در عربستان داشت. همان گونه که انتظار می رفت، ملک سلمان با صدور فرمانی، ضمن برکناری محمد بن نایف از پست «ولی عهد اول»، محمد بن سلمان را به عنوان جایگزین وی تعیین کرد. بن سلمان همچنین با حفظ سمت در وزارت دفاع، به عنوان رئیس کابینه سعودی منصوب شد. در تصاویری که شبکه العربیه و اسکای نیوز منتشر کردند، محمد بن سلمان با محمد بن نایف دیدار کرد و در حقیقت شبکه العربیه این دیدار را بیعت بن نایف اعلام کرد. بن نایف در تصاویر مخابره شده بی میل و به ظاهر ناخرسند بود و به بن سلمان می گوید «موفق باشی». همزمان با این تغییرات سیاسی، شاه عربستان در اقدامی که سؤال برانگیز است، تعطیلات عید فطر را که هفت روز است، به ۱۴ روز افزایش داد. با این تصمیم، عربستان به مدت دو هفته در تعطیلات رفت. همزمان، نیویورک تایمز نیز نوشت که بعضی از اعضای خاندان سعودی از ظهور و ارتقای سریع شاهزاده جوان به خشم آمده اند. این اولین بار در تاریخ عربستان است که حکومت از پدر به پسر منتقل می شود. از زمان تأسیس پادشاهی آل سعود تاج و تخت از برادر به برادر منتقل می شده است. پادشاه سعودی از مدتی پیش زمینه های روی کار آمدن فرزندش بن سلمان در عربستان، پس از خود را فراهم آورده بود. صدور فرمان های متعدد عزل و نصب در پست ها و سمت های مهم دولتی و غیر دولتی که چندی پیش صورت گرفت، در واقع مقدمه ای برای نشاندن بن سلمان بر کرسی ولی عهدی بود. پادشاه عربستان در سلسله فرمان های جداگانه‌ای که صادر کرد، تمامی افراد نزدیک به خود و فرزندش را جایگزین دیگر شاهزادگان و مقامات دولتی کرده بود. یکی از مهم ترین این تغییرات، تعیین «خالد بن سلمان» برادر محمد بن سلمان به عنوان سفیر جدید عربستان سعودی در ایالات متحده آمریکا بود. خالد بن سلمان برای تشکیل حلقه ارتباطی میان مقامات ایالات متحده آمریکا و بن سلمان و حامیانش، در این پست گمارده شد. از سوی دیگر، حدود دو ماه پیش ملک سلمان با هدف فراهم کردن زمینه برای انتصاب محمد بن سلمان به عنوان ولی عهد، اختیارات محمد بن نایف را بسیار محدود کرده بود. طبق فرمان سلمان، محمد بن نایف علاوه بر ولایت عهدی، از همه مناصب دیگر مثل وزارت کشور و معاونت ریاست شورای وزیران کنار گذاشته شد. این مسئله نشان می دهد که پادشاه عربستان احتمال مخالفت محمد بن نایف با تصمیم اخیر وی و هر گونه یارکشی از میان شاهزادگان سعودی برای مقابله با او را پیش بینی می کرده است؛ درست به همین دلیل سلمان تصمیم گرفت تا با خلع ید کامل بن نایف، هر گونه ارتباط او با دستگاه های حکومتی را قطع کند تا بدین ترتیب، وی هیچ گونه قدرتی برای مقابله و رویارویی در برابر مسئله ولی عهدی محمد بن سلمان، نداشته باشد.

■ **احتمال کناره گیری سلمان**

«مجتهد» افشاگر معروف سعودی در توئیتر این اقدام سلمان را «کودتای بن سلمان» خواند و نوشت که به زودی سلمان به نفع پسرش از قدرت کناره گیری خواهد کرد. در همین حال برخی منابع غیر رسمی مدعی شدند که منابع متعددی حصر خانگی بن نایف را تایید می کنند اما هیچ کدام رسمی نیست. یک نماینده سابق مجلس کویت مدعی شده است حصر خانگی بن نایف، قبل از سفر حیدر العبادی شروع شده و حضورش در فرودگاه برای استقبال، دستوری بوده است همچنین احتمال حصر متعب، پسر عبدا... و رئیس گارد ملی عربستان هم وجود دارد.

■ **ارتقای نسل دوم شاهزادگان**

گرچه محور اصلی تغییرات جدید در دربار آل سعود، برکناری بن نایف و انتصاب بن سلمان به مقام ولی عهدی است؛ اما ملک سلمان همزمان انتصابات و برکناری های دیگری هم داشت تا بتواند دوره انتقال قدرت به فرزند را بهتر مدیریت کند. عموم کسانی که در تغییرات جدید منصوب شدند، نسل دوم و سوم شاهزادگان یا نوه ها و نتیجه های مؤسس حکومت (ملک عبدالعزیز) هستند. به نظر می رسد، این فرایند با هدف زمینه سازی برای قدرت گرفتن محمد بن سلمان و ارتقای وی تا سطح پادشاه است. از طرفی ارتقای پست های شاهزادگان نسل سوم و طیف جوان تر نسل دوم، باعث همراهی بیش تر آنان با ملک سلمان و فرزندش می شود؛ از سوی دیگر به صورت طبیعی مشروعیت سنتی را برای بن سلمان (در صورت پادشاهی) بیشتر می کند؛ زیرا کارگزاران حکومت قد خود را بلندتر از پادشاه احتمالی (محمد بن سلمان) نمی بینند. به طور مثال، ملک سلمان، عبدالعزیز بن سعود بن نایف را به عنوان وزیر کشور جدید منصوب کرد. وزیر کشور جدید عربستان سعودی ۳۴ سال دارد و پیش از این به عنوان مشاور وزیر کشور فعالیت می کرد. وی در کنار جوان بودن از نظر سابقه تجربی و کاری نیز کارنامه مفیدی ندارد.

■ **قمارباز سیاسی**

اکنون با انتصاب محمد بن سلمان به عنوان ولی عهد سعودی، ابعاد باج ۱۱۰ میلیارد دلاری عربستان سعودی به ایالات متحده آمریکا با امضای توافق نامه خرید تسلیحات نظامی از واشنگتن، بیش از پیش نمایان شد. در واقع، فاصله زمانی اندک بین امضای توافق نامه تسلیحاتی نجومی میان ریاض و واشنگتن و انتصاب بن سلمان به عنوان ولی عهد، این شائبه را تقویت کرده است که آمریکایی ها هر گونه حمایت از بن سلمان به عنوان ولی عهد را منوط به دریافت یک باج بزرگ در قالب امضای توافق نامه های نجومی کرده اند. از همین رو، ملک سلمان بزرگ ترین توافق نامه ها میان دو طرف در طول تاریخ به ارزش حدود ۴۶۰ میلیارد دلار را که ۱۰۰ میلیارد دلار آن متعلق به مسائل نظامی است، با واشنگتن به امضا رساَند. علاوه بر این، قطعاً آمریکایی ها علاوه بر باج های هنگفتی که دریافت کردند، تضمین های لازم از محمد بن سلمان برای تبعیت از سیاست های واشنگتن در صورت تصدی پست پادشاهی را نیز گرفته اند. به نظر می رسد که با ولی عهدی بن سلمان، نمی توان انتظار فروکش کردن اقدامات افراطی خاندان سعودی در منطقه را داشت. محمد بن سلمان، شاهزاده ای افراطی، ماجراجو و جنگ طلب است که با افزایش اختیاراتش پس از ولایت عهدی، بدون شک مسیر تازه ای را برای تحقق اهداف توسعه طلبانه خود در منطقه پیش خواهد گرفت. از دیدگاه روزنامه هندی «دیلی پایونیر» محمد بن سلمان یک «قمارباز سیاسی» بزرگ است. این روزنامه در همین باره می نویسد: «اولین قمار او که شکست خورد، به راه انداختن جنگ یمن بود. جایی که عربستان با بمباران های هوایی ۱۰ هزار نفر را به کام مرگ کشاند اما در تحقق پیروزی ناکام ماند. البته این ناکامی کم هزینه نبود بلکه ده ها میلیارد دلار بر خزانۀ این کشور تحمیل کرد. قمار دوم بن سلمان تلاش برای سیطرۀ مجدد بر بازار نفت بود. اما بن سلمان این بار هم شکست خورد و مجبور شد با توافق اوپک به کاهش تولید نفت خودتن دهد». حالا قمارهای محمد بن سلمان به ویژه در سوریه و عراق می تواند منطقه را به کلی ناامن کند. او اگر چه به قمارهای بزرگ دست می زند اما در شرط بندی هایش اسب های اشتباهی را انتخاب می کند.

فراخبر

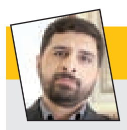

آینده مبهم جاه طلبی های «بن سلمان»

دکتر علیرضا رضاخواه- در دو سال گذشته رقابتی شدید میان محمد بن سلمان و محمد بن نایف برقرار بود. در سرمایه گذاری در انتخابات آمریکا بن نایف تلاش می کرد دلارهای نفتی سعودی را به نفع دموکرات ها خرج کند و بن سلمان آن ها را به سمت جیب جمهوری خواهان سرازیر کرده بود. حالا نتیجه این قمار پیروزی بن سلمان و شکست بن نایف شده است. پیش از این به نظر می رسید طیف امنیتی و اطلاعاتی حاکمیت آمریکا، بن نایف را برای آینده سعودی مناسب تر از بن سلمان می داند. به طور نمونه می توان به اعطای عالی ترین نشان اطلاعاتی آمریکا از سوی پومپئو به بن نایف اشاره کرد. اما دیدارهای اخیر بن سلمان با آمریکایی ها، سفر اخیر ترامپ و حمایت های رسانه ها و شخصیت های آمریکایی از بن سلمان، نشانه چراغ سبز آمریکایی ها برای به قدرت رسیدن بن سلمان و تغییر نگرش در واشنگتن بود. علاوه بر این نتایج شورای بیعت سعودی و کسب ۳۱ رای از ۳۴ رای از این شورا توسط بن سلمان نشان می دهد او و پدرش توانسته اند با مهره چینی مناسب، خاندان سلطنتی را با خود همراه کنند. این شورا متشکل از شاهزاده های درجه اول یعنی فرزندان عبدالعزیز و شاهزاده های درجه دوم است که نوادگان عبدالعزیز هستند و نمونه ای مناسب برای سنجش نظرات خاندان سلطنتی قلمداد می شود. پس می توان گفت که از این منظر شیوه به قدرت رسیدن محمد بن سلمان فرایندی از پیش طراحی شده بوده که هدف از آن جلوگیری از بروز مخالفت های دربار سعودی و کسب تجربه برای فرزند ملک سلمان بوده است. همچنین باید گفت که محمد بن سلمان در عربستان در مقایسه با شاهان و شاهزاده های پیر و فرتوت دربار محبوب تر است. با این حال آینده جاه طلبی های سلمان و پسرش چندان روشن نیست. از یک سو پای ترامپ به عنوان یکی از حامیان پادشاهی بن سلمان روی پوست خربزه است و احتمال برکناری و استیضاح او هر روز جدی تر می شود، از سوی دیگر تحولات منطقه این روزها به گونه ای در حال پیشرفت است که می تواند به سادگی منجر به فعال شدن آتش فشان قدرت طلبی شاهزاده های سعودی و تنش داخلی در دربار این کشور شود.

فراخبر

روی کار آمدن جنگ طلب ها با چراغ سبز آمریکا

دکتر ابوذر گوهری مقدم- برکناری محمد بن نایف ولیعهد پادشاه عربستان و جانشینی محمد بن سلمان که با تغییر ساختار و نظام جانشینی در عربستان همراه بوده است بدعتی جدید محسوب می شود که تبعات آن گسترده و درازمدت است. اما نکته مهم در این میان غیر بومی بودن تحولات و جلب حمایت و چراغ سبز آمریکا به آن است. به نظر می رسد پروژه حاضر محصول لابی گسترده برای جلب حمایت آمریکا و تضمین تداوم حمایت این کشور از حکام آل سعود است. لابی و تلاش های فراوان محمد بن سلمان به شکل شخصی و ساختاری در هیئت حاکمه جدید آمریکا در نهایت منجر به کسب این تایید شد. لابی گسترده محمد بن سلمان با داماد ترامپ، جرد کوشنر و نیز برقراری روابط خاص با صاحبان صنایع نظامی آمریکا از طریق وی بخشی از این ماجرا است. همچنین اولین سفر خارجی رئیس جمهور آمریکا به عربستان و نیز اولین سفر خارجی رئیس سیا به این کشور همه نشان از برنامه‌ریزی دقیق این پروژه از قبل بوده است. تعهد محمد بن سلمان به نهادهای اطلاعاتی آمریکا برای هماهنگی لازم و دریافت تعهدات ضروری در این میان قابل تصور است. انجام اصلاحات ساختاری مدنظر آمریکا و حمایت نکردن از برخی گروه‌های مخالف آمریکا خواسته مشخص آمریکا از عربستان است. علاوه بر این کسب و جلب مزایای اقتصادی رابطه با ریاض به طور مشخص مدنظر ترامپ است. تغییر حاضر در دوران اوباما با توجه به اختلافات وی با حاکمان سعودی قابل تحقق نبود اما رویکرد عمل گرایانه ترامپ و کاهش فشارهای دولت جدید باعث شده است ملک سلمان و پسرش بتوانند واشنگتن را به این تغییر مهم متقاعد کنند و البته عربستان نیز برای این تغییر هزینه زیادی صرف کرد. به نظر می رسد آمریکا با هدف انتقال مسالمت آمیز قدرت پس از ملک سلمان و مهار بحران جانشینی در این کشور از طریق این اقدام تلاش می کند منافع منطقه‌ای خود را محقق سازد. البته باید دقت داشت این تحول باعث افزایش خطرپذیری و تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان خواهد شد، امری که تبعاتش برای آمریکا لزوماً قابل مدیریت نیست.

آمریکا به دنبال شکست اسد است نه داعش

رابرت فیسک/تحلیل گر ایندیپندنت

مقامات سوری روز به روز بر شک شان درباره این که نیروهای کرد طی ماه های اخیر وارد گردونه همکاری با آمریکا شده‌اند، افزوده می شود؛ نیروهایی که تا همین اواخر از متحدان بشار اسد، رئیس جمهور سوریه محسوب می شدند. از آن سو ارتش سوریه تلاشی برای پنهان کردن این حقیقت نکرده که ارائه تسلیحات به کردها را متوقف کرده است. در حالی که بر اساس برخی گزارش ها دولت سوریه از سال ۲۰۱۲ تا همین اواخر حدود ۱۴ هزار سلاح AK۴۷ در اختیار این نیروها قرار داده بود. علاوه بر این گفته می شود دمشق پس از دریافت گزارش هایی مبنی بر این که این نیروها میزبان هیئتی از امارات متحده عربی بوده اند به شدت خشمگین شده است. همزمان گزارش های تایید نشده‌ای از ملاقات کردها با سعودی ها منتشر شده است. این دیدار همان طور که می توان حدس زد پس از سخنرانی نه چندان دلچسب دونالد ترامپ، در ریاض صورت گرفته که طی آن به حمایت بی چون و چرا از پادشاهی سعودی در سیاست های ضد ایرانی و ضد سوری پرداخت و پس از آن نیز از اقدام عربستان در منزوی کردن قطر حمایت کرد. در میدان جنگ، ارتش سوریه هم اکنون در حال انجام یکی از بلندپروازانه‌ترین عملیات خود از زمان آغاز جنگ بوده و شاهد پیشروی هایی در شمال کشور، اطراف دمشق و شرق پالمیر است. این نیروها به صورت موازی برای رسیدن به منطقه محاصره شده نیروهای دولتی در دیر الزور در حاشیه فرات پیش می روند. هم اکنون ۱۰ هزار سوری بیش از چهار سال است که در این منطقه محاصره شده‌اند. ارتش سوریه اگر بتواند به این محاصره خاتمه بدهد، سوری ها ۱۰ هزار سرباز دیگر خواهند داشت که برای بازپس گیری منطقه به کمک آن ها خواهند آمد. مهم تر این که ارتش سوریه گمان می کند که نیروهای داعش ممکن است با ورود به دیر الزور "مرکزی" دیگر برای خود در سوریه اعلام کنند. در چنین شرایطی حمله آمریکا به جنگنده سوری بیشتر شبیه هشداری به سوری ها برای دور ماندن از نیروهای موسوم به «سوریه دموکراتیک» بوده است چرا که این دو گروه اکنون در آستانه رویارویی با یکدیگر در صحرای سوریه قرار دارند. به این ترتیب و با توجه به این هشدار می توان گفت که کردها رقه را خواهند گرفت. اما از آن جایی که ارتش سوریه بیشتر تمایل به کنترل دیر الزور دارد به نظر می رسد که چنین شرایطی در پی توافقی میان مسکو و واشنگتن ایجاد خواهد شد. نقشه سوریه هر روز در حال تغییر است اما ارتش آن کشور هم چنان در مقابل داعش و شبه نظامیان مشابه اش در حال پیشروی است. آمریکا در این میانه به طرز نفرت انگیزی نقش ایران را بزرگ نمایی می کند چرا که شاید بتواند به این ترتیب به کابوسی که ریاض از ایران درست کرده کمکی کرده باشد. اما موفقیت دولت اسد به روشنی برای آمریکا و کردها نگران کننده است. با این تفاصیل در این بازار شام چه کسی با داعش می جنگد یا نمی جنگد؟ روسیه ادعا می کند که رهبر خون خوار این گروه تروریستی، ابوبکر البغدادی را از پای در آورده است. همزمان مسکو می گوید داعشی ها هدف موشک های کروز این کشور هستند. ارتش سوریه نیز که از سوی روسیه حمایت می شود در حال مبارزه با داعش است و این مسئله‌ای است که من با چشمان خود شاهد آن بوده‌ام. اما آمریکا با حمله به پایگاه هوایی دولت اسد در نزدیکی حمص، بمباران متحدان دولت این کشور در التنف و حالا ساقط کردن جنگنده‌ای متعلق به ارتش سوریه چه می کند؟ به نظر می رسد که واشنگتن اکنون بیش از آن که برای نابودی داعش مشتاق باشد حمله به اسد و حامیانش در خاک سوریه را در دستور کار قرار داده است. این اقدام به نظر پیروی از سیاست های عربستان سعودی در منطقه است و شاید این همان چیزی است که دولت ترامپ به دنبال آن است. تا جایی هم که اکنون روشن است جنگنده‌های اسرائیلی در تمام این مدت به جای داعش نیروهای اسد و حزب ا... لبنان را هدف قرار داده‌اند. در شرایط فعلی این چنین به نظر می رسد که ابراز خشم به استفاده از گاز شیمیایی در حملاتی که دولت اسد را عامل آن معرفی می کنند بسیار مهم‌تر از ابراز انزجار از داعشی است که غیرنظامیان را در اکثر مناطق خلافت خودخوانده‌اش در سوریه هدف ظلم قرار می دهد. اگر ما قرار است ادعای امروز آمریکایی ها مبنی بر تلاش برای نابودی داعش را باور کنیم، آن‌ها باید نشان دهند که به دنبال نابودی داعش هستند در حالی که تا کنون بیشتر آمادگی خود را برای حمله به نیروهای دولت اسد که در حال جنگ با داعش هستند نشان داده‌اند. آیا واشنگتن به دنبال فروپاشی سوریه است؟ آیا با وجود تهدید روسیه مبنی بر هدف قرار دادن جنگنده‌های آمریکایی در صورت تکرار حمله‌ای مشابه در این راه موفق می شود؟

ضربان نامنظم قلب اروپا

عملیات نافرجام انتحاری در ایستگاه مرکزی قطار بروکسل

ضربان قلب اروپا، بروکسل، با گذشت بیش از یک سال از حملات خونین ماه مارس سال ۲۰۱۶ همچنان نامنظم می زند و سایه ناآرامی از سر این شهر کنار نمی رود. انفجاری کوچک در شامگاه سه شنبه باعث شد تا ایستگاه مرکزی قطار و نیز میدان نزدیک آن در بروکسل، پایتخت بلژیک، تخلیه شود. در پی این انفجار، پلیس بلژیک به یک مرد که گفته می شود قصد حمله انتحاری به ایستگاه قطار بروکسل را داشته شلیک کرده است. پس از مدتی اعلام شد که مهاجم مرده است. به نوشته رویترز «در این واقعه به کسی به غیر از "مرد مهاجم" آسیب نرسید». دادستانی بلژیک اعلام کرد فرد بمب گذار، یک مرد ۳۶ ساله اهل مراکش بوده است. سخنگوی پلیس بروکسل به رویترز گفته است که «یک حادثه در ایستگاه مرکزی شهر روی داده و در پی آن انفجاری اتفاق افتاده اما پلیس توانسته مردی را که مواد منفجره به همراه داشته است خلع مهمات کند. هم اکنون ماموران امنیتی و پلیس به طور گسترده در محل حضور دارند اما اوضاع تحت کنترل است.» روزنامه محلی «لیبر بلژیک» به نقل از کارآگاهان نوشته مردی که هدف قرار گرفت یک کوله پشتی و یک کمربند انفجاری به همراه داشته است. از زمان انفجارهای مرگبار فرودگاه و متروی بروکسل در مارس سال ۲۰۱۶ که ۳۲ کشته برجای گذاشت، پایتخت بلژیک تحت تدابیر شدید امنیتی قرار دارد. بروکسل و به ویژه محله مولنبک در مرکز آن، یکی از پایگاه‌های اصلی اعزام تروریست به سوریه است.

جولان داعش در فیلیپین

گروگان گیری داعش در مدرسه ای در فیلیپین بدون خون ریزی پایان یافت

تروریست های مسلح داعش که شمار آن ها به ۳۰۰ تن می رسید در ساعت ۶ صبح به مدرسه ای در جنوب فیلیپین حمله کردند و بسیاری از دانش آموزان را به گروگان گرفتند. این حمله در منطقه‌ای رخ داده است که سربازان ارتش و نیروهای امنیتی فیلیپین بیشتر از یک ماه است مرحله تازه‌ای از نبرد با افراط گراها را در آن آغاز کرده‌اند؛ نبردهایی که در بخش هایی عمدتا مسلمان نشین از جزیره «میندانائو» متمرکز است. از زمانی که «رودریگو دوترته» رئیس جمهور فیلیپین، در جنوب این کشور اعلام حکومت نظامی کرد، نبردهای شدیدی در این مناطق در جریان است. به تازگی ارتش آمریکا نیز به بهانه ارائه «کمک های فنی» به نیروهای فیلیپینی در شکستن محاصره شهر ماراوی از سوی هواداران داعش، وارد نبرد شده است. در ماجرای این گروگان گیری، اعضای گروه تروریستی، با ارتش درگیری مسلحانه داشتند؛ اما گروگان گیری بدون خون ریزی به پایان رسید. با این حال، تحقیقات پلیس ادامه دارد تا اطمینان حاصل شود تا کسی در اسارت داعش نباشد. گمان می رود که عملیات اخیر تروریست ها و تلاش آنان برای گروگان گیری، مرتبط با حمله گسترده ارتش فیلیپین به شورشیان در شهر "ماراوی" باشد. اینک بیش از یک ماه است که گروه «بانسامورو» در جنگ با دولت مرکزی، «ماراوی» واقع در جزیره میندانائو را محاصره کرده‌اند. در جریان این مناقشه ها تا کنون بیش از ۳۷۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

اظهار نظر روز

• • •

وزارت خارجه آمریکا:

انگیزه تحریم قطر مبهم است

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که هر چه بیشتر زمان می گذرد، تردیدها در خصوص اقدامات عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای تحریم و محاصره قطر بیشتر می شود. «هذر نوئرت»، اظهار کرد: بیش از دو هفته پس از آغاز تحریم ها، برای ما سردرگم کننده بوده که تا کنون کشورهای حوزه خلیج فارس جزئیاتی درباره ادعاهای مطرح شده علیه قطر نه در اختیار افکار عمومی قرار داده اند و نه در اختیار قطری ها. با گذشت زمان، تردیدهای بیشتری درباره اقدامات عربستان سعودی و امارات متحده عربی بروز می کند. هم اکنون هنوز این سوال برای ما مطرح است: آیا اقدامات فوق واقعا ناشی از نگرانی آن ها [تحریم کنندگان] در زمینه اتهام حمایت قطر از تروریسم بوده یا این که اختلافات دیرینه بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس باعث آن شده است. اکنون «رکس تیلرسون» وزیر خارجه ما [آمریکا] به تلاش برای حل و فصل بحران قطر ادامه می دهد. وزیر خارجه قطر که قرار است به زودی به آمریکا سفر کند، از گفت و گوهای عربی استقبال کرده اما گفته است که شرط آغاز آن، لغو تحریم هاست.

خبرهای متفاوت

• • •

ترامپ پولدارتر می شود

واشنگتن پست: رئیس جمهور آمریکا اعتبارات مالی مختص مسکن قشرهای کم درآمد و سرپناه فقرا را که برای مقابله با بی خانمانی است، به شدت کاهش می دهد. البته یک استثنای چشمگیر در این میان وجود دارد. ترامپ نوعی یارانه مسکن فدرال را که مستقیم به مالکان خصوصی از جمله خود او داده می شود، دست نخورده باقی گذاشته است. ترامپ در مجتمع مسکونی بزرگ "استارت سیتی" در شرق نیویورک ۴ درصد سهام دارد که بین ژانویه سال گذشته و ۱۵ آوریل امسال دست کم پنج میلیون دلار برای او سود داشته است.

عربستان شترهای قطری را هم اخراج کرد!

العالم: پس از شهروندان قطری، این بار عربستان شترها، گاوها و گوسفندهای قطری را از خاک خود اخراج کرد. ویدئوی منتشر شده از اخراج چارپایان قطری در سایت یوتیوب، گله های بزرگی از شترها را نشان می دهد که عربستان را به سمت قطر، ترک می کنند. این تصمیم عربستان، خسارت بسیاری به گله داران قطری خواهد زد، زیرا این گله ها، به صورت مجانی و بدون هر گونه قید و شرطی در چراگاه های گستردۀ عربستان چرا می کردند.

یادداشت

• • •

محمدسعید لواسانی

تقابل همسان آلمان و یونان با ترکیه

بنالی ایلدریم نخست وزیر ترکیه با این امید به یونان رفت تا همتای جوان خود آلکسیس چیپراس را به بازگرداندن نظامیان کودتاگر به خاک ترکیه، راضی کند. اما چیپراس، هوشمندانه گفت: «به هر حال، باید به حکم دادگاه احترام گذاشت.» به عبارتی دیگر، او آب پاکی را بر دست ایلدریم ریخت و نشان داد که حکومت یونان، نمی خواهد در این پرونده، بر دستگاه قضا و حکم اعطای پناهندگی به نظامیان فراری ترکیه، اعمال نظر کند. به موازات موضوع یونان، این را نیز به خاطر بیاوریم که آلمان، به بیش از ۳۰۰ دیپلمات، نظامی و بوروکراتهای فراری منتسب به فتحا... گولن متهم شماره یک کودتای نافرجام ترکیه، حق پناهندگی داد و این مسئله، موجب بروز تنش بین آنکارا و برلین شد. زمانی که ترکیه درباره بازدید نمایندگان آلمان از فرودگاه اینجرلیک سخت گیری کرد، آلمان حکم به تخلیه و انتقال نظامیانش به اردن داد. این دو اقدام یونان و آلمان به عنوان دو کشور اروپایی که اتفاقا با ترکیه در پیمان نظامی ناتو، هم گروه هستند، معنای خاصی دارد. یونان می خواهد نشان دهد که اگر چه از لحاظ اقتصادی هنوز هم یک کشور ورشکسته و گرفتار در دام فساد مالی است، اما در حوزه حقوق بشر و دموکراسی، به معیارهای اروپایی و استقلال دستگاه قضا پایبند است. آلمان نیز نشان می دهد که روابط مهمی با ترکیه دارد اما درباره حق پناهندگی و مسائل حقوقی و قضایی کوتاه نمی آید. شاید این همان چیزی است که بخشی از دلایل تکمیل نشدن روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را آشکار می کند.

اندیشکده روز

قطر، القاعده و سوریه

اندیشکده واشنگتن نوشت: یکی از شکایت های زیربنایی در جنگ دیپلماتیک جاری میان قطر و کشورهای عربی خلیج فارس، روابط نزدیک دوحه با گروه های افراطی فعال از جمله طالبان و اخوان المسلمین است. مدت طولانی است که القاعده در سوریه در حال مبارزه همزمان با دولت بشار اسد و تروریست های داعش است؛ گروهی که از آن ها به عنوان شورشی های میانه رو یاد می شود. بسیاری از تروریست های رده بالای این گروه از جنوب آسیا به سوریه منتقل شده اند. در نتیجه بستن شاهراه های مالی این گروه می تواند کمکی موثر به کنترل شورشیان کند. هفته گذشته مصر، عربستان، امارات متحده عربی و بحرین اسامی ۵۹ نفر و ۱۲ سازمان تحت حمایت قطر را به عنوان "لیست سیاه تروریسم" منتشر کردند. فهرست مزبور شامل اسامی وزیر امور خارجه قطر در ۲۰۰۱-۲۰۱۳، عبدا... بن خالد آل ثانی، یک واعظ مصری، یوسف قرضاوی رئیس اتحادیه بین المللی علمای اسلام است. اکثر افراد ذکر شده در این لیست به عنوان آن چه حامیان القاعده نامیده شده اند، پیشتر در لیست تهیه شده توسط سازمان ملل بوده اند. هر چند برخی از این افراد ساکن قطر نیستند، با این حال قطر می تواند با حسابرسی و محاکمه این افراد ضمن حفظ آبرویش، فرصتی را برای همکاری دوباره خود با همسایگان عربی اش فراهم آورد.